

درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان ساخت بوسیله مولفه های مکان، فضا و کالبد

مهسا جوادی* - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تبریز، ایران

مهرناز بوداغ - مربی، گروه آموزشی معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

ویدا مکانی - مربی، گروه معماری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

Introduction to the identity of the built environment by elements of location, space and body

Abstract

Identity, regardless of the issue in most areas of general human knowledge, the issue of quality is due to the structure of the environment affects human needs. In fact, the issue of qualitative identity between man and the environment. The lack of quality of the human relationship with the environment and create an environment where failure is lack of legibility and meaning. So create readability and meet the basic human needs according to His spatial resolution, the most important factor is human intervention in the environment. Thus, we need to understand the environment as an approach to understand the identity of the built environment, understanding the meaning of identity, space and physical space and its impact on man and his behavior is. Therefore, in this study, with the aim of collective urban identity by both objective and subjective patterns of location, space and body and due to the built environment to explain the concept of identity by environmental component location, space, body, and its effects will be discussed. Therefore, on the basis of descriptive, analytical and environmental studies identified common standards library with spatial identity, location and identification of the body so that the information in the category mentality by taking common sense, readability and imagery (immaterial) between the identity of the setting sure. In addition, information on the level of objectivity as a common form and function (physical) identity between place and space can be achieved that-be shared between the three major components of the identity, the identity of place, identity and physical identity and space in accordance with the functional factors, cognitive and physical identification and categorized.

Key words: identity, environment, human, spatial identity, location, location, identity, body.

چکیده

هویت، صرف نظر از موضوعی عام و کلی در اغلب حوزه های معرفت بشری، مقوله ای کیفی است که به واسطه نیازهای انسان بر ساختار محیط تأثیر می گذارد، در واقع هویت به مقوله کیفی مابین انسان و محیط می پردازد. کیفیتی که کمبود یا نبود آن سبب عدم ارتباط انسان با محیط و ایجاد محیطی فاقد خوانایی و معنا می گردد. بنابراین ایجاد خوانایی و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان براساس کیفیتهای فضایی او، مهمترین عامل مداخله انسان در محیط است. بدین ترتیب، که لازمه شناخت محیط به عنوان رهیافتی در جهت درک هویت محیط مصنوع، شناخت معنای هویت، هویت فضایی، مکانی و کالبدی و تأثیرات آن بر انسان و رفتار او می باشد. از این رو در این پژوهش، با هدف شناخت هویت جمعی و شهری بوسیله الگوهای عینی و ذهنی مکان، فضا و کالبد و با توجه به محیط انسان ساخت به تبیین مفهوم هویت محیطی بوسیله مولفه های مکان، فضا، کالبد و تأثیرات آن پرداخته می شود. بدین منظور براساس روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای معیارهای مشترک هویت محیطی با هویت فضایی، مکان و کالبد شناسایی می شوند تا اطلاعاتی در رده ذهنیت با در نظر گرفتن اشتراکات معنایی، خوانایی و تصورات ذهنی (غیرمادی) مابین هویت مکان و محیط حاصل گردد. علاوه بر این، اطلاعاتی نیز در رده عینیت همچون اشتراکات فرم و عملکرد (مادی) مابین هویت مکان و فضا حاصل می شود، که می توان آنها را طبق سه مولفه اصلی و مشترک مابین هویت محیط، هویت مکان، هویت فضا و هویت کالبدی و مطابق با عوامل کارکردی، ادراکی و کالبدی شناسایی و دسته بندی نمود.

واژگان کلیدی: هویت، محیط، انسان، هویت فضایی، مکان، هویت مکان، کالبد.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۴۱-۳۳۳۱۸۶۸۱، رایانامه: mj_mahsaa@gmail.com

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «طراحی دانشکده هنر و معماری در بافت قدیم اردبیل، طراحی پوسته ای برگرفته از معماری بومی اردبیل» استخراج شده است که با راهنمایی خانم دکتر مهرناز بوداغ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی به انجام رسیده است که بدینوسیله از معاونت پژوهشی دانشگاه قدردانی می گردد.

مقدمه

هویت یکی از مهمترین و اساسی ترین مسائل حوزه های معرفت و نیاز بشری است. اصطلاح هویت مفهومی انتزاعی است که در عین سادگی از پیچیدگی ها و حوزه های معنایی بسیاری برخوردار است. هنگامی که از هویت سخن به میان می آید، بسته به آن که از چه دریچه ای و در حوزه چه علمی به آن نگریسته شود، تعاریف گوناگونی بدست خواهد آمد (کامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۲)؛ لذا که هویت مقوله ای ارزشی و هنجاری است و بحث در مورد آن مستلزم ارزش گذاری و موضع گیری هنجاری است (میرمقتدایی، ۱۳۸۵، ص ۱۰). هویت دارای مفاهیم پیچیده ای است، مفهوم هویت را می توان در حوزه های واژه شناسی، جامعه شناسی، روانشناسی، فلسفه، فرهنگ و... جستجو کرد (کامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۲)؛ چنانچه که هویت در نظام های مختلف فکری نیز با محک هایی متفاوت سنجیده می شود؛ بدین ترتیب که در جامعه ای با معیارهای پایدار ارزشی، همچون جامعه سنتی- مکتبی، محک هایی متعین^۱، و در جامعه ای با معیارهای ارزشی ناپایدار، همچون جامعه مدرن- مدنی، محک هایی نامتعین ملاک ارزیابی هویت قرار می گیرند (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷). بررسی و مرور کلی مطالعات مربوط به موضوع هویت در سطح سکونتگاه های انسانی نشان می دهد که هویت از چند بعد مورد توجه و تاکید قرار گرفته است که از آن جمله می توان به ابعاد هویت محیطی، هویت فضایی، هویت مکانی، هویت کالبدی، هویت شهری و... اشاره نمود. هویت محیطی در این پژوهش با مطالعات روانشناختی و جامعه شناختی و با اشرافیت بر هویت جمعی و شهری مورد بررسی قرار می گیرد. در واقع مفهوم هویت در محیط مصنوع بیشتر با توجه به نظریه ها و رویکردهای ادراک محیط و علوم رفتاری در بسیاری از متون و پژوهش ها، دنبال شده است. لذا پژوهش حاضر، با توجه به وجود الگوهای عینی و ذهنی فضا، مکان و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۴۰

کالبد دنبال تعیین مفهوم هویت محیطی است. از این رو با توجه به رویکرد پژوهش، هویت در سطح سکونتگاههای انسانی و در حوزه های واژه شناسی، روانشناسی و علوم رفتاری (مانند تاثیر الگوهای رفتاری و غیره)، ادراک محیطی و جامعه شناسی (مانند: فضای اجتماعی و مفاهیم کالبدی و ادراکی یا هویت شهری و موارد مشابه) با تکیه بر مطالعات کتابخانه ای و از دیدگاه پدیدارشناسی مورد مطالعه قرار می گیرد. تا با هدف شناخت هویت محیطی بوسیله الگوهای عینی و ذهنی مکان، فضا و کالبد و با توجه به محیط انسان ساخت به تبیین مفهوم هویت محیطی بوسیله ریز مولفه های آن پرداخت. در واقع لزوم توجه به هویت در سطح سکونتگاههای انسانی را می توان در نابسامانی های هویتی امروز که تهدیدی برای بقا و پایداری محیط مصنوع است، یافت. لذا که این نابسامانی ها می تواند تمام ارزشهای میراث فرهنگی را از بین ببرد. و محیط پیرامون را فاقد هویت و تصویر ذهنی آن بنماید. و عواقب ناخواسته ای را بر پیکره حیاتی شهر وارد آورد. بنابراین در پژوهش حاضر، ابتدا با بررسی مفهوم هویت در حوزه های مرتبط با، واژه شناسی و ارتباط آن با انسان و محیط پرداخته می شود سپس هویتی جامع در قالب هویت محیطی (شهری) در سطح سکونتگاههای انسانی تبیین می گردد.

مبانی نظری تحقیق

واژه شناسی هویت

هویت، کلمه ای عربی به معنای تشخیص است که کیستی فرد و جامعه را مشخص و آن را از دیگران متمایز می سازد و به جهت نقشی که در شناخت افراد، اشیا، اجتماعات و مکان ها دارد، حائز اهمیت فراوانی است (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۵۴). در لغت نامه دهخدا هویت چنین تعریف شده است: «هویت عبارت است از تشخیص که گاه بر وجود خارجی اطلاق می شود و گاه بر ماهیت با تشخیص که عبارت از حقیقت جزئی است. هویت مرتبه ذات

۱. لغتی عربی در معنای ظاهر و آشکار است (عمید، ۱۳۵۲، ۲۳۵).

معنا و مفهوم واژه «هویت»		
لغت نامه‌ها و فرهنگهای فارسی معاصر	لغت نامه دهخدا	مرتبه ذات ناب، مرتبه احدیت و لاهوت
	فرهنگ عمید	حقیقت شخص + صفات جوهری وی
	فرهنگ معین	تمایز کننده افراد از یکدیگر
	فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی	اشاره به ذات و تشخص و این همانی موجودات و از منظر فلسفه اشارتی است از وحدت در کثرت
لغت نامه‌های انگلیسی	لغت نامه آکسفورد	کسی یا چیزی بودن، همان موجود بودن، همانی
	فرهنگ آریانپور	این همانی، شخصیت، تشخص و خود واقعی

ناب را گویند و مرتبه احدیت و لاهوت اشارت است از آن» (دهخدا، ۱۳۳۴، ص ۴۹).

فرهنگ عمید هویت را حقیقت شیء یا شخص می‌داند که مشتمل بر صفات جوهری او باشد (قطبی، ۱۳۸۷، ۷۸) فرهنگ معین نیز واژه هویت را چنین تعریف کرده است: آنچه که موجب شناسایی شخص باشد. یعنی آنچه را که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد. (معین، ۱۳۸۴، ۱۰۱۴) در فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی «هویت اشاره به ذات و تشخص و این همانی موجودات» است و نیز ذکر شده که:

«واژه عربی هویت دارای کاربرد فلسفی است که عبارت است از دو چیز که با هم در وجود و حقیقت یکی باشند هر چند که دارای بعضی وجوه افتراق باشند» (قطبی، ۱۳۸۷، صص ۷۸-۷۹).

در سایر فرهنگهای لغات فارسی نیز کم و بیش ویژگی یا کیفیتی که موجب تمایز یا شناسایی کسی یا چیزی از دیگران شود از تعاریف مشترک هویت است. به عبارت دیگر در واژه‌شناسی فارسی، هویت نوعی تعیین یافتن است.

کلمه "identity" در فرهنگ واژگان آکسفورد به معنی آنچه که کسی یا چیزی هست، همان بودن، و مبحثی در مورد چیرستی پدیده است (Oxford، ۲۰۰۷، ۷۷۰) ریشه Identity از واژه لاتین Identitas می‌باشد. Idem به معنی همان و Entitas

به معنی موجود بودن است. به عبارت دیگر Identity به معنی همان موجود بودن و همانی مطلق است (قطبی، ۱۳۸۷، ص ۷۹). در انگلیسی و فرانسه، لفظ identity به عنوان معادل هویت به کار می‌رود که در فرهنگ بریتانیکا واجد دو معنی منطقی به معنی «این همانی» و در روانشناسی به معنای «شخصیت، تشخص و خود واقعی» است (آریانپور، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳۵). با توجه به تعریف فوق تاکید بر «این همانی» و همانندی با خود و تشخص و تمایز با غیر خود مشخص است. اصطلاح «این همانی» یکی از اصطلاحات معرفی است که در بسیاری موارد متعارف واژه هویت به کار گرفته می‌شود. از این رو واژه «همان» نیز در فرهنگهای فارسی مورد توجه قرار گرفت، در فرهنگ معین در معنی همان چنین آمده است «آنچه قبلاً ذکر شده آنچه که در خاطر گوینده و شنونده معهود است» (معین، ۱۳۸۴، ص ۵۱۶۸). لغتنامه دهخدا نیز همان را «چیزی که مخاطب و متکلم بتواند از طریق آن ارتباط برقرار کند» معنی می‌کند. (دهخدا، ۱۳۳۴، ص ۲۰۲۷۹). بدین ترتیب می‌توان خلاصه‌ای از واژه‌شناسی هویت را در جدول زیر مشاهده نمود.

بنابراین هویت به معنای تشخص، هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد- همچون شخصیت یا کیفیت - بیانگر ویژگیهای هر فرد یا پدیده‌ای است. در واقع هویت وابسته لاجرم هر



تصویر ۱. هرم نیازهای انسان براساس مدل مازلو،
ماخذ: (Maslow, ۱۹۴۳)

چیزی است که وجود دارد. با توجه به این که هویت یک مقوله کیفی است که بر ساختار شهر تأثیرگذار است بحث هویت به مقوله انسان، محیط بر می گردد (نقی زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۹).

رابطه هویت و انسان

انسان موجود پیچیده‌ای است که دارای انگیزش‌های مادی و معنوی گوناگون در هر عصری می باشد. «انگیزش، نیروی هدایتگر رفتار است، رفتارها در جهت ارضای نیازهای انسانی شکل می گیرد» (لنگ، ۱۳۸۱، ص ۹۶). بنابراین شناخت نیازهای انسانی در طراحی بر مبنای ایجاد رابطه مناسب با زندگی مردم و محیط اطراف و طرح‌های از این دست که مبانی روانشناسانه دارند و به طور ویژه به مباحث کیفی فضا مربوط می شوند، اهمیت قابل توجهی دارد. نیازهای ذکر شده از سوی آبراهام مازلو، سلسله مراتبی را تشکیل می دهند که از نیازهای متعالی تا نیازهای اولیه در ۶ رده قرار گرفته اند. سلسله مراتب پیشنهادی مازلو به ترتیب تصویر مجاور می باشد.

جدول شماره ۲ برگردان نیازهای انسان به کیفیتهای فضایی است، چنانچه که فضای ساخته شده دارای کیفیت‌های مذکور باشد می-تواند ارتباط طولانی مدت با کاربرانش برقرار کند. (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۱)؛ مانند: وجود حس تعلق پذیری به مکان (هویت، حس مکان، تسهیلات اجتماعی و...) که از نیازهای

غیرمادی است که می توان با تحقق آن ماندگاری فضایی ایجاد نمود.

مفهوم هویت نزد انسان سنتی و مدرن

در نگاه سنتی «انسان در جهانی میزید که فقط یک مبدا و یک مرکز دارد. او نسبت به آن مبدا در آگاهی کامل به سر می برد. او روی دایره‌ای زندگی می کند که پیوسته از مرکز آن باخبر است و در زندگی، اعمال و اندیشه‌های رو به سوی آن مرکز دارد» (نصر، ۱۳۸۰، صص ۱۳۳-۱۳۴)؛ بنابراین هویت برای انسان سنتی (مذهبی) باوری است. که به مدد ایمان به غیب شکل می گیرد و سازنده و پردازنده پندار، کردار و رفتار اوست. این اصول پاینده، بر معماری به مثابه هنجاری اجتماعی اثر گذاشته و آن را سمت و سویی خاص می بخشد. معماری سنتی از آن روی دارای هویت دانسته می شود که مظهر و محل تجلی اصول پایداری است؛ اصولی چون وحدت، حکمت، صداقت، قناعت که معماران بواسطه آنان معماری را جهت و سو می دهند (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

در صورتی که هدف انسان مدرن^۱ (سکولار) از زیستن در این جهان، کام گرفتن از آن است (نصر، ۱۳۷۶، ص ۲۲۴)؛ انسان مدرن هدفی خارج از جهان مادی نمی شناسد و به ریاضت، عقوبت و معاد اعتقادی ندارد (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۸). وی برای زیستن در جهان از قوانینی پیروی می کند که خود سازنده آن است؛ قوانینی که بر سر آن با سایر انسانهای مدرن به توافق رسیده است. انسان مدرن تابع «قراردادهای اجتماعی» است. این قراردادها ساخته و پرداخته خرد انسانی هستند (فروغی، ۱۳۶۶، ص ۱۶۳). خرد انسان مدرن برای معماری نیز، همچون سایر هنجارهای اجتماعی، پیوسته قراردادهایی را منعقد و لغو، و شیوه‌ها و سبک‌هایی را جاری و باطل می-نماید. معماری مدرن -به معنای عام- محصول تکرار اصول و قراردادهای عصر جدید است که هر از گاهی

۱. در دنیای مدرن، یکی از حوزه‌های که می تواند رهگشای درک مسئله هویت متکثر انسان مدرن باشد، حوزه روانشناسی است. هویت در حوزه روانشناسی فردی به شکل‌گیری شخصیت و هویت می پردازد. احساس هویت یکی از مشخصات تبیین شخصیت است. شخصیت و هویت دو مفهوم جداگانه اند، حال آن که در بسیاری از تعاریف یکی انگاشته می شوند.

جدول ۲. برگردان نیازهای انسان به کیفیت های طراحی، ماخذ: گلکار، ۱۳۸۰، ص ۵۲.

نیازهای انسانی	کیفیت های طراحی مربوطه
نیازهای فیزیولوژیک	تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم اقلیمی خرد) استحکام تعادل مبتنی بر بوم شناسی
نیازهای ایمنی	ایمنی معابر، نظارت و مراقبت، محرمیت، نفوذپذیری و انعطاف پذیری
نیاز به تعلق داشتن	هویت، حس مکان، تسهیلات اجتماعی، خوانایی، تناسب بصری
نیاز به قدر و احترام	حس تعلق به فضا، فردیت و تعلق داشتن به گروه
نیاز به خود شکوفایی	فرصت های برای شخصی سازی فضا و مشارکت در طراحی، تنوع
نیاز به زیبایی	نما و منظر، غنا

جدول ۳. نگرش ها در شکل گیری شخصیت و هویت فردی در ارتباط با محیط خارج، ماخذ: با برداشتی از (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

شکل گیری شخصیت و هویت فردی	
انواع هویت های متکثر انسان مدرن	نوع نگرش
جنبه های درونی و غریزی فرد شکل دهنده به مفهوم هویت انسان مدرن	رفتار انسان تاثیر گذار بر محیط
محیط مادی و اجتماعی شکل دهنده به مفهوم هویت انسان مدرن	محیط تاثیر گذار بر رفتار انسان
محیط درون و بیرون شکل دهنده به مفهوم هویت انسان مدرن	توازن انسان و محیط

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۴۳

مطابق جدول شماره ۳ ریشه یابی شده است. به این ترتیب در یک جمع بندی می توان رابطه هویت با انسان زیسته در جامعه سنتی و مدرن را مطابق جدول ۴ مشخص نمود. با توجه به موارد پیش گفته تصاویر ۲ و ۳ مدلی شماتیک از انسان زیسته در جامعه مدرن و جامعه سنتی و مفهوم هویت در نزد او می باشد. بنابراین به طور کلی می توان گفت که محیط ساخته شده هر چه هست، (اعم از محیط مادی و اجتماعی یا محیط درون و بیرون) بر شخصیت فرد تاثیر می گذارد و از آن تاثیر می پذیرد در واقع میان فرد و مکان رابطه ای متوازن و عمیق تر از صرف بودن یا تجربه کردن آن مکان برقرار است.

رابطه هویت و محیط

برای این که محیط را بتوان درک کرد محیط باید خوانا و آشنا باشد (لینچ، ۱۳۷۴، ص ۱۲). به عبارت

تحت تاثیر مولفه های متغیر و پویای روزگار مدرن شکلی نو و تازه به خود می گیرد و ساخت و ساز جدیدی را طلب می کند (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۹). نگاهی به معماری غرب پس از رنسانس و تامل در فراوانی سبک ها و شیوه ها، حکایت از تلاش معمار غربی برای هدف سازی و هدف یابی مدام دارد. فوکو می گوید: «ما باید سرپیچی کنیم از آن چیزی که هستیم» (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۶۴)؛ بنابراین انسان مدرن (سکولار) خود به مدد خود، هویت خویش را می سازد (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۸). از این رو هویت انسان مدرن متکثر و نشأت گرفته از عوامل متعددی است که این عوامل در قالب ۳ مدل کلی، خود آدمی را به عنوان واحد کل می شناساند. تعریفی از هویت انسان زیسته در جامعه مدرن و ارتباط با محیط خارج، که تاکنون تحت عنوان هویت متکثر عنوان گردید، با توجه به دیدگاهها و موضوعات مطرح

جدول ۴. مقایسه رابطه هویت با انسان زیسته در جامعه سنتی و جامعه مدرن، ماخذ: نگارندگان.

مولفه های مشترک انسان جامعه سنتی و مدرن	انسان زیسته در جامعه سنتی	انسان زیسته در جامعه مدرن
هستی و غایت جهان	یک مبدا و یک مرکز مشتمل بر کمال، پاکی، ازلی و تمامیت	برهه ای میان تولد و مرگ بدون هیچ غایت و فرجام و وعده و معادی
اهداف زیست	دست یابی به بهشت موعود و جهان غیر مادی	کام گرفتن از جهان مادی (زیرا هدفی جز آن نمی شناسد)
اصول زیست (شخصیت و هنجارهای اجتماعی)	پیروی از اصول الهی با سمت و سوی آمیخته به ریاضتها، رعایتها، خودداری ها و بردباری ها	پیروی از اصول مطابق با توافق انسان ها و تابع قراردادهای اجتماعی و عدم اعتقاد به ریاضت، عقوبت
هویت	ذات الهی مقدم بر وجود انسان + هویت در جامعه سنتی واحد، پایدار و الهی (ایمان به غیب)	وجود انسان مقدم بر هر پدیده ای + هویت در جامعه مدرن متکثر و اکتسابی
هویت معماری	مظهر و محل تجلی اصول پایداری نظیر: وحدت، حکمت، صداقت، قناعت و موارد مشابه.	مظهر اصول پویا، متکثر و گذرای عصر جدید نظیر: اختلاط ها و غیره.

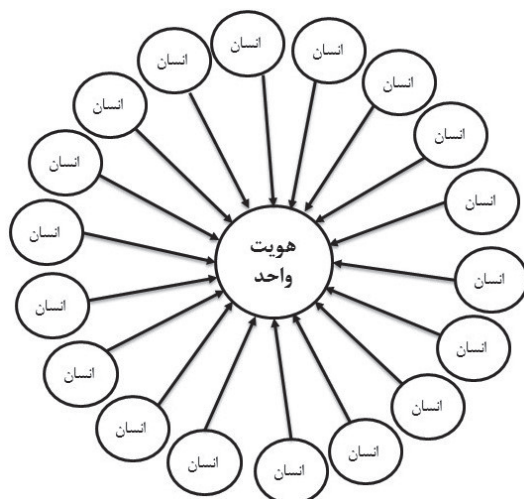
هم زمان، رفتار و تجارب وی بوسیله محیط دگرگون می شود. (مرتضوی، ۱۳۸۰، ص ۴۶).

پارکینسن نیز محیط را حاصل برقراری تعامل میان افراد و مکان کالبدی می داند و می گوید: «محیط ساخته شده چیزی بیش از ساختمانها را در برمی گیرد. این امر نتیجه تعامل بسیار پیچیده میان مردم و مکان است» (پارکینسن، ۱۳۸۰، ص ۷۷)؛ به عقیده هیوم تمام اقدامات بشر در مراحل مداخله و شکل دادن به محیط مصنوع به گونه ای در جهت پاسخ گویی به نیازهای انسانی است. هویت محیط بیشتر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر هستند تا نیازهای که به جسم وی سروکار دارند. وقتی چیزی در محیط وجود نداشته باشد، نیاز به هویت محیط بیشتر احساس می شود. بعد از نیازهای فیزیولوژیکی، امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان است.

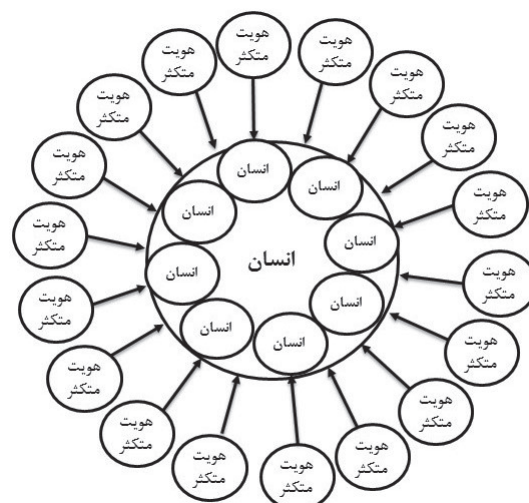
بازنمود نیاز به امنیت در طراحی محیط در قالب نشانه های در فرم های مصنوع ظاهر می شوند، این

دیگر خوانایی «یعنی این که شهر تا چه اندازه می تواند به وضوح درک شود، و از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد، ساکنین آن، آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزشها و مفاهیم جامعه در ارتباط است. یعنی انطباق محیط با توانایی های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی» (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲) که منظور همان سنجش با ذهنیات است که اگر با آن معیارها قابل شناسایی نباشد قابل ادراک نیست یا بی هویتی است. راپاپورت در تعریفی جامع از محیط آن را حاصل برقراری ارتباط معنادار می داند. در نظر او «محیط ممکن است به عنوان یکسری از ارتباط - بین اشیا و اشیا، انسان و انسان و انسان - دیده شود. این ارتباطات منظم و دارای الگو و ساختار هستند» (راپاپورت، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

گیفورد محیط را بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی وی تعریف می کند. به عقیده وی در چنین تاثیر متقابلی، فرد محیط را دگرگون می کند. و



تصویر ۳. مدل شماتیک از انسان سنتی و هویت واحد او؛
ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۲. مدل شماتیک از انسان زیسته در جامعه مدرن و
هویت متکثر او، ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. محیط خوانا و بی هویت از منظر طراحی محیط،
ماخذ: نگارندگان.

به بررسی مولفه های هویت ساز در محیط یعنی فضا، مکان و تأثیرات آن بر انسان و رفتارهای او پرداخته می شود.

فضا

در یک جمع بندی کلی می توان فضا را قسمتی از واقعیت محیط دانست که در رده عینیت قرار گرفته است و مانند سایر پدیده های در رده عینیت، واجد فرم و عملکرد است و نه تنها در تعامل با انسان قرار می گیرد بلکه انسان توسط فرآیند ادراک مشخصات عینیت مزبور را به کمک حواس به مغز منتقل می کند و پس از انطباق با اندوخته های قبلی در

فرم های مصنوع^۱ نیازهای را که به آن اشاره دارند برآورده می سازد. (یزدانی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۹) هویت محیطی به تعبیری برداشتی دیگر و یا ترکیبی از هویت کالبدی و هویت مکانی است. این مفهوم عمدتاً سیمای بصری سکونتگاه ها، شهر و بستر طبیعی را مد نظر قرار می دهد. در برخی از مطالعات، مفهوم هویت محیطی منحصر به حفظ شرایط طبیعی بسترهای مکانی است و کمتر به سایر ابعاد سکونتگاه ها می پردازد.

بنابراین با توجه به دیدگاهها و نظریات پیش گفته لازمه شناخت هویت محیطی شناخت محیط، فضا و مکان و تأثیرات آن بر انسان و رفتار او، رهیافتی در جهت درک هویت در کالبد و شهر (محیط مصنوع) می باشد. زیرا، «هر فضا و مکان، به عنوان یک منبع هویت است و گروه هایی را که در آن قرار می گیرند هویت می بخشد» (ربانی، ۱۳۸۱، ص ۳۷). مکان و فضا به سبب خصلتهای مرز پذیری، قابل تحدید بودن، تمایز و ثبات داشتن و تعلق به گروه از مهمترین عواملی هستند که نیازهای هویتی انسان را از طریق القای امنیت و آرامش تامین می کنند (دریایی لعل و حوصله دارصابر، ۱۳۸۹، ص ۱۵)؛ بنابراین،

۱. در این بیان مفهوم امنیت با مفهوم نشانه گذاری فضا به منظور تسهیل در درک فضا و خوانایی و در نتیجه شناخت و تأثیرش در حس امنیت مترادف بیان شده است. (wong, ۲۰۰۳، ۱۱)

جدول ۵. نگرشها در شکل گیری هویت و محیط از دیدگاه نظریه پردازان، ماخذ: نگارندگان.

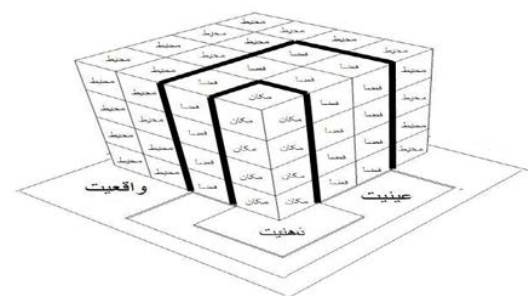
نظریه پردازان	نوع نگرش
راپاپورت	محیط حاصل ارتباطات منظم، الگومند و ساختاری
گیفورد	محیط متأثر از فرد و قرارگاههای فیزیکی او
پارکینسن	محیط حاصل برقراری تعامل فرد با مکان کالبدی
هیوم	محیط برآورده کننده نیازهای انسان

حافظه خود به ارزیابی و شناسایی آن می پردازد. (مباحث مربوط به هویت در روانشناسی فردی) سپس با تعاملی میان انسان و محیط (یعنی ادراک و رفتار) آن را تجربه نموده تا ذهنیتی از آن بدست آورد. و واجد ذهنیتی در قالب یک تصویر ذهنی گردد.

مفهوم فضا از دیدگاه پدیدارشناسانه^۱ بدین گونه است که؛ محیط اطراف انسان توسط پدیده های فراوانی تحت عنوان «واقعیت» اشغال شده است. و انسان تنها بخشی از این واقعیتها را درک می کند. و به این واقعیتهای قابل درک «عینیت» می گویند. بدین ترتیب که اگر واقعیت همان محیط فرض شود و محل یا جا را اطلاعاتی از رده واقعیت دانست. فضا بخش گزینش شده ای از اطلاعات محیط است که به آن محل خاص مرتبط است.

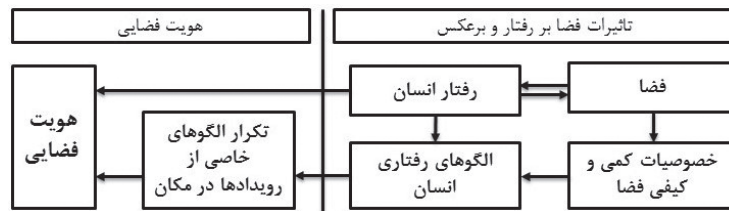
تعامل انسان و فضا

به طور کلی رابطه بین انسان و فضا یک رابطه متقابل است و از دو جنبه دارای اهمیت می باشد: ۱- تأثیرات رفتار بر فضا، ۲- تأثیرات فضا بر رفتار. ۱. «تأثیرات رفتار بر فضا»: از آنجا که فضا پدیده ای است که باید با مردم و رفتارهایشان در نظر گرفته شود. رفتار مردم در فضا اصولاً بر خصوصیات کیفی فضا تأثیر می گذارد. کیفیت



تصویر ۵. محیط، فضا و مکان اطلاعاتی در رده واقعیت، عینیت و ذهنیت، ماخذ: نگارندگان.

۱. نقطه تمرکز پدیدارشناسی، مفهوم جدایی ناپذیر انسان (ذهن) و جهان (عین) می باشد. (یعنی چگونگی وجود انسانها در ارتباط با جهان می باشد) برای محققان پدیدار شناس حوزه علوم رفتاری- محیطی، زیست جهان و مکان از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا هر دو آنها به طور همزمان انسان و جهان را در کنار یکدیگر قرار داد و وجوه فضایی، فیزیکی و محیطی وقایع و زندگی انسان را بیان می کنند. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۴).
۲. اگرچه محیط امکان بروز یا تجدید رفتارهای را فراهم می آورد، ولی تعیین کننده نهایی رفتار فرد و جامعه است. بنابراین رفتار فرد و جامعه از نحوه تعامل با دیگران و محیط شکل می گیرد و در یک جریان خوب این محیط می تواند زمینه ای به وجود آورد تا فرد به بهترین شکل رنگ و بوی تعلق گیرد. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۳۰)



تصویر ۶. تأثیرات فضا بر رفتار و برعکس و ارزیابی مفهوم هویت فضایی، مآخذ: نگارندگان.

هویت مکانی است (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). مفهوم مکان از دیدگاه پدیدارشناختی (پدیده شناسی هوسرل) بدین گونه است که؛ براساس تعریف فضا، که در رده عینیت قرار می گیرد، و دارای فرم و عملکرد می باشد. چنانچه فضا برای انسان معنای خاصی به همراه داشته باشد و در ذهن، خاطراتی را ایجاد کند، ذهنیت جای خود را باز می کند و فضا از پدیده ای عینی به موجودی ذهنی، تبدیل می گردد که «مکان» نام دارد، نکته مهم این است که ذهنی بودن مکان به معنای آن نیست که مکان فاقد فرم و عملکرد است، بلکه مکان عینیتی است که علاوه بر فرم و عملکرد دارای ویژگیهای معنایی نیز می باشد در واقع مکان محل تلاقی فرم، عملکرد و معنای فضا می باشد (وحید، ۱۳۸۷، ص ۷۷). رلف معتقد است که یک مکان موقعی فراتر از یک فضا است که واجد سه خصوصیات محدوده کالبدی، فعالیت و معنا باشد. و در این میان معنا را جز اصلی و لاینفک و صعب الوصول این گروه می داند. (Relph، ۱۹۷۶، Tuan، ۱۹۷۴) که از مشخصه های آن می توان به حضور انسان و واجد معنا کردن یک فضا در ذهن ناظر اشاره نمود که این تعریف به صورت «مکان = فضا + معنا» نیز بیان می شود. (Harrison & Dourish، ۱۹۹۶، ص ۶).

بنابراین مشخصه مکان خاص تر بودن آن نسبت به فضا و در هم تنیدگی آن با ارزشهای انسانی است. (رحمانی، ۱۳۸۹، ص ۸۸)؛ کارمونا نیز در کتاب خود مکان را یک مثلث سه قطبی حاصل برآیند

بدان معنا است که کیفیت و کمیت فضا می تواند برای مردم الگوی رفتاری تعیین نماید. از این رو فضا قسمتی از زمینه رفتار است و می تواند در کنترل رفتار، یعنی القا یا حذف رفتار نقش داشته باشد. بنابراین می توان برای فضا نقشی القا کننده یا تشویق گر قائل شد.^۱ از آنجا که محیط شامل مجموعه ای از قرارگاههای رفتاری است که در درون یکدیگر قرار گرفته و با هم فصول مشترکی دارند. عناصر اصلی این قرارگاه های رفتاری، الگوی شاخص رفتار و محیط فیزیکی است (لنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷).

الکساندر پس از اشاره به «کیفیتی بی نام» که موجب زنده ماندن بناها و شهرها می شود چنین عنوان می کند که «برای تعریف این کیفیت در بناها و شهرها، باید کار را با درک این مطلب شروع کرد که هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می شود.» (الکساندر، ۱۳۸۵، ص ۶۵)؛ بنابراین از آنجا که هر فضا برای ساکنانش از یک هویت و ساختاری واحد برخوردار است (فیالکوف، ۱۳۸۲، ص ۶۲)؛ می توان تأثیر متقابل آنها را به صورت شماتیک در تصویر ۳-۳ مشاهده نمود.

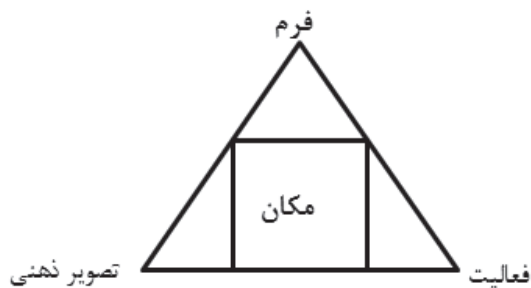
مکان

مکان عنصر اصلی هویت ساکنان آن در محیط می باشد. انسان با شناخت مکان می تواند به شناخت خود نایل شود. یکی از علل سرگردانی انسان امروز نپرداختن به مفهوم مکان و از آن ره نبود

۱. قاسمی، مروارید، ۱۳۹۰، اهل کجا هستیم، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی تهران (مشخصات کامل کتاب در قسمت فهرست منابع موجود می باشد)



تصویر ۸. میزان تاثیر عینیت و ذهنیت بر رفتار انسان،
ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. مدل مفهومی مکان و اجزا آن، ماخذ:
(۱۹۷۷a, Canter)

جدول ۶. مکان و معیارهای سنجش آن، پونتر و مونتگمری، ماخذ: (۲۰۰۶, Carmona)

مکان	معیارهای سنجش
تصور ذهنی	خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه های حسی، ارتباطات روانی، ادراک، شخصی، جهانی
فعالیت	گوناگونی، سرزندگی، زنده بودن خیابان، نظاره کردن مردم، کافه فرهنگی، سرگرمی-های محلی- سنتی، ساعتهای فعالیت، فعالیتهای جاذب، معامله و اقتصاد
فرم	مقیاس، مرکزگرایی، نفوذپذیری، نشانه ها، فضاهای ساخته شده، نسبتها، فضاهای عمومی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۴۸

تلقى می کند و بخشی از معنای مکان را در تجربه ها و حالات روحی انسان جست و جو می نماید. برای او مکان همان فضای زنده است. (شولتز، ۱۳۸۳، ص ۷۳).

تعامل انسان و مکان (هویت مکان)

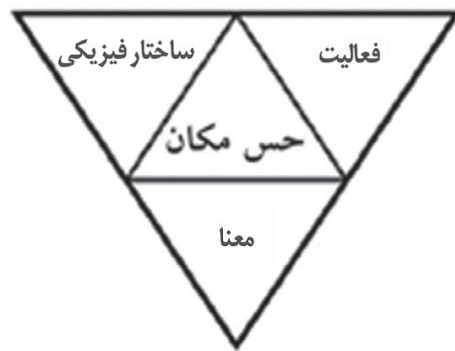
رابطه انسان و مکان غیرقابل تفکیک و عجین شده با هم می باشند. از نظر کانتر مکان نمی تواند مستقل و جدای از انسان در نظر گرفته شود. (لنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۵). و وجود انسان به عنوان مهم ترین عامل معنا دهنده به مکان محسوب می شود. بر این اساس انسان در اثر پیوند و ارتباط با مکان، خود را جزئی از مکان می داند و براساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی، عملکردها و شخصیتها تصویر ذهنی از آن مکان برای خود می سازد و مکان برای او قابل درک و فهم می شود (رحمانی، ۱۳۹۲، ص ۸۷).

از این رو مطابق با تصویر ۸ مکان تعیین کننده معنای فضا و جهت دهنده به رفتار انسانی است. رلف ارتباط میان انسان و مکان را با عنوان روح

سه عامل فعالیت، فرم و تصور ذهنی می داند. شهر نیز همچون هر پدیده و محیط دیگری دارای همین سه مؤلفه فرم، عملکرد و معنا می باشد. مکان با ساختار فرم و عملکرد که در آن رخ می دهد تعریف مادی پیدا می کند و با شکل گرفتن تصویر و خاطره آن در ذهن انسان و در طول زمان معنا و روح پیدا می کند (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۹).

همچنین تبدیل سه مولفه مذکور مکان به کیفیتهای طراحی در جدول ۶ مشخص گردیده است.

هر یک از مولفه های مذکور مکان، کیفیتهای خاص مکانی را ایجاد می کند. به عنوان مثال استفاده از نشانه های خاطره انگیز و نمادها در ادراک و فهم انسان از مکان به عنوان تصویر ذهنی موثر است. از این رو این نشانه ها می توانند علائم آشنا و یا خاطره انگیز برای مردم باشد و سبب ایجاد مفهوم مکان (به معنای احساسات و درک فضا) گردند (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۳)؛ شولتز نیز مکان را فضای احساس و درک شده و با خاطره عجین شده



تصویر ۱۰. مدل مفهومی حس مکان و اجزاء آن، ماخذ: (Montgomery, ۱۹۹۸, ۹۷)



تصویر ۹. مثلث تعاملات انسان و مکان، ماخذ: نگارندگان.

مکان یاد می‌کند و شولتز آن را عاملی می‌داند که حالت روحی را سبب می‌گردد و نمود آن ادراکی است (Carmona, ۲۰۰۶, ۹۹)؛ بسیاری از رفتارهای انسان در محیط بیش از آنکه در تاثیر عینیت محیط «فضا» قرار گیرند، متأثر از معنای فضا «مکان» می‌باشد. بنابراین پیوند میان انسان و مکان غیرگسستگی است و در این میان حلقه اتصالی وجود دارد که به آن هویت گویند.

پس هم انسان به مکان هویت می‌بخشد و هم مکان به انسان. از این رو انسان را با مکان پیوند می‌زند و مکان و انسان دو جزء جدایی ناپذیر از هم می‌شوند. بدین ترتیب مکانی، که با ذهن انسان رابطه برقرار می‌کند و قابل به یاد آوردن و جزئی از ذهن او می‌شود حتی اگر دیگر بازگشتی به آن صورت نپذیرد. طبق نظریات مکتب گشتالت ذهن انسان متشکل از ادراکات کلی معناداری می‌شود که این ادراکات از طریق تداعی با یکدیگر ارتباط یافته و بدین گونه پدیده‌ها را تفسیر می‌کنند. (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۴).

مکان علاوه بر عناصر کالبدی شامل فعالیت و تصورات ذهنی با پیام‌ها، معانی و رمزها که مردم براساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید هویت مکان نامیده می‌شود.

لینچ حس مکان (به مثابه هویت مکان) را عاملی بر می‌شمارد که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می‌آورد. او اعتقاد دارد که فضا باید هویت قابل ادراکی داشته و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد شده و ارتباط انسان و مکان به وحدت انجامد (لینچ، ۱۳۷۶). از نظر نوربرگ شولتز، نیز حس مکان در مکانهایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند (دارای هویت مکان) و این شخصیت مشخص از چیزهایی ملموس که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ هستند، ساخته شده است. (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، ص ۴۵)؛ بنابراین با در نظر گرفتن این موضوع که حس مکان، تنها یک راه ساده برای توضیح نحوه ادراک یا دریافت مکان توسط فرد نیست بلکه مفهومی ارزشی و چند بعدی است (Stefanovic, ۴۴-۳۱، ۱۹۹۸). بنابراین هویت به عنوان یکی از راهکارهای ایجاد و برقراری حس مکان در مکانها و فضاها و بوجود آورنده وحدت بین انسان و مکان می‌باشد.

رلف معنای مکان را در تصویرهای ذهنی و خاطره‌های مردم آن را موثرترین عامل در هویت مکان می‌داند. «تا زمانی که معنای مکانها در ساختار فیزیکی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود، بلکه باید معنا را در تصویرهای ذهنی و تجربه‌های انسانها از مکان

جدول ۷. حس مکان و معیارهای سنجش آن، پونترو و مونتگمری ماخذ: (Carmona, ۲۰۰۶)

حس مکان	معیارهای سنجش
معنا	همکاری فرهنگی، عملکردهای ادراکی، تشخیص و ارزیابی کیفی
فعالیت	استفاده از مکان، روانی پیاده‌رو، روانی نقلیه، رفتار، الگو، خوانایی، بو و صدا
ساختار فیزیکی	منظر شهری، چشم انداز، نفوذپذیری، شکل ساخت، مبلمان

جستجو کرد» (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۳). به ویژگی‌های محیط و توجه داشتن به عناصری ادوار رلف برای هر مکان سه نشانه هویت مکانی می‌داند که معرف حس مکان نیز هستند گرچه برای او حس مکان چیزی فراتر از این سه حس (ساختار فیزیکی، فعالیت، معنا) است اما این سه را در ایجاد حس مکان در مردم تاثیرگذار می‌داند (Carmona, ۲۰۰۶، ۹۹).

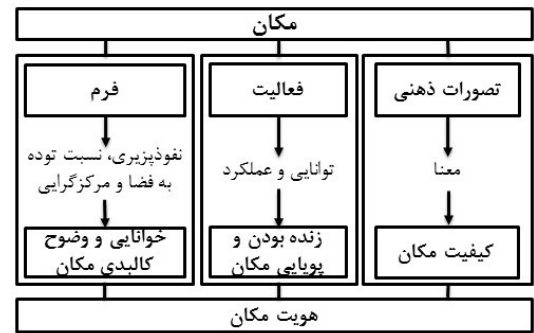
مولفه‌های هویت مکان

این مولفه‌ها به صورت عوامل کالبدی، احساسات و معانی و فعالیتها می‌باشند که عوامل کالبدی از نظر فریتز استیل عوامل مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (Steele, ۱۹۸۱) و عوامل معنایی بر طبق نظریه‌های شولتز، رلف و لینچ می‌باید در خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه‌های حسی، ارتباطات روانی، ادراک فردی و گروهی و فهمیدن جستجو نمود (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)؛ لذا که در واقع مکان، زمانی معنا پیدا می‌کند که درک حسی از آن صورت گرفته و تصویری ذهنی از خود بر جای گذاشته باشد. بدین ترتیب فضاهایی در ذهن شهروندان ماندگار می‌شود که از خوانایی مسیر یا اماکن موجود و امکان به خاطر سپردن آنها توسط ناظر در عین حال بازشناسی مسیر و جهت‌یابی درست برخوردار باشند تا تشخیص آن برای مردم سخت نباشد. در واقع اینها عواملی هستند که همه و همه در ایجاد یک تصویر ذهنی در شهروندان کمک می‌نمایند (بازوندی و شهبازی، ۱۳۹۳، صص ۳۷-۳۸).

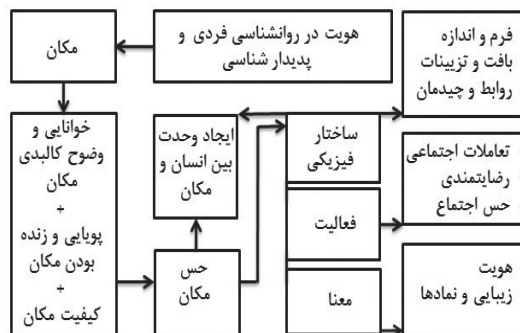
از دیگر ویژگیهای مکان که سبب ارتقای حس

بنابر جدول فوق با قرارگیری مفهوم معنا به جای تصویر ذهنی، که رلف آن را بیشترین عامل تاثیرگذار در حس و هویت مکان می‌داند، عواملی مانند خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه‌های حسی، ادراک و ارتباط روانی با مکان را در دو جنبه شخصی و جهانی یا فردی و گروهی مطرح می‌کند. در فعالیت، عواملی مانند گوناگونی رویدادها، سرزندگی که لینچ هم در عوامل شکل خوب شهر به آن اشاره می‌کند. با در نظر گرفتن عملکردها و توانایی‌های انسان در طراحی شکل شهر تفسیر می‌شود. همچنین فعالیتها مانند بازی-های محلی و سنتی و خرده‌فروشی‌ها و میزان کسب درآمد را از عوامل تاثیرگذار در زنده بودن مکان و از طرفی هویت آن می‌دانند.

از نظر فرم نیز، میزان نفوذپذیری و فضاهای عمومی و نسبت فضای ساخته شده به فضاهای باز و مرکزگرا یا همان گره‌های لینچ می‌توانند در ایجاد حس مکان در مردم تاثیرگذار باشد. شولتز نیز در این خصوص بیان می‌دارد که مکانهای با معنا سبب ایجاد تصاویر ذهنی روشن و با هویت برای شخص می‌گردد. شولتز همچنین مشارکت و فعالیتهای گروهی را، موجب با کیفیت شدن مکان می‌داند. و فرم را نیز رابطه بیرون با درون به معنای اهمیت دادن



تصویر ۱۱. مفاهیم و مولفه های مشترک مکان و هویت مکان، ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۲. حس مکان و حوزه های معنایی آن، ماخذ: نگارندگان.

مکان می گردد، فعالیتها و تعاملات بین انسان- مکان و انسان- انسان است. (Relph, ۱۹۷۶) بنابراین تعاملات اجتماعی مرتبط با مکان به عنوان زیرمؤلفه ای از فعالیتها تلقی می شود (turner, ۲۰۰۴, ۲۰۰۶-۲۱۷) جنیفر کراس نیز عوامل مؤثر بر حس مکان را چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می داند و رابطه با مکان را به صورت های زندگی نامه ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجباری دسته بندی می کند که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایتمندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می کنند (Montgomery, ۱۹۹۸, ۹۳-۱۱۵).

علاوه بر مطالب گفته شده، با توجه به نظرات کرمونا، طریقی که مکان ها در طول زمان به وسیله آن اداره شده و کنترل می شوند، نیز مؤثر بر حس مکان می باشد. (Carmona, ۲۰۰۷, ۱۰۲)؛ بدین ترتیب تأمین فعالیت ها از فضا با رضایتمندی از ویژگیهای متغیر محیط مانند دما، صدا و امکان انجام فعالیت های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط مانند ابعاد، تناسبات و فرم ها به وجود می آید.

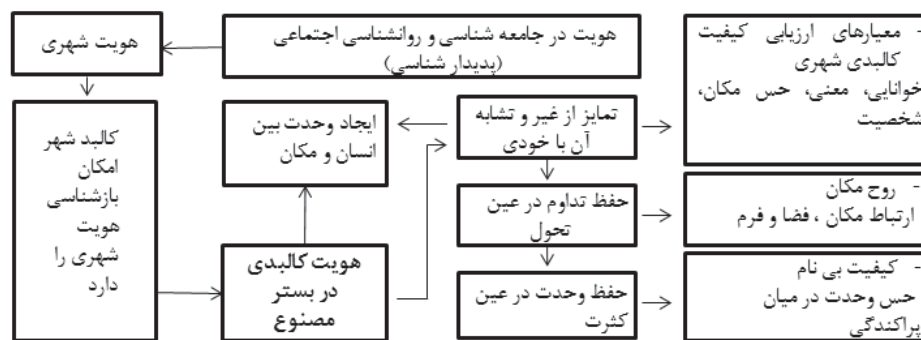
هویت کالبدی

یکی از روشهای مطالعه هویت محیط مصنوع روشی، صرفاً کالبدی است. از آن جا که هویت در مباحث کالبدی، به مفهوم نوعی حس و درک انسانی مطرح نیست، ولی در عین حال در برگیرنده اندیشه ها، باورها، فعالیتها و سطح فرهنگ جامعه است. بنابراین

می توان از مفهوم «هویت کالبدی» نیز استفاده نمود (اصانلو، ۱۳۹۱، ص ۸۵). بررسی مفهوم هویت و کالبد به صورت جداگانه در حوزه های معنای عام (ادبیات غیر تخصصی) و خاص (ادبیات تخصصی معماری و طراحی شهری) دارای معانی زیر می باشد:

۱- تمایز/ تشابه: به معنای تمایز از غیر و تشابه با خودی؛ در ادبیات معماری و طراحی شهری معاصر، هویت جایگاه خاصی دارد و مفهوم آن را می توان به طور ضمنی یا به صراحت در تعریف مهمترین معیارهای ارزیابی کیفیت کالبدی شهر (نظیر: زمینه های تاریخی، کالبدی و اجتماعی- فرهنگی) جستجو نمود. مفاهیمی چون خوانایی، معنی، حس مکان و شخصیت مستقیماً به مفهوم تمایز و تفاوت مکانی مربوط شده، بر حفظ آن تأکید داشته اند و آن را یکی از صفات مهم کیفی شهر می دانند (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

۲- تداوم/ تحول: به معنای پیوند با گذشته و عدم انقطاع (تداوم معنی و ارزشهای خودی) در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه (خود ماندن ولی همان نماندن)؛ مفهوم تداوم در عین تحول را می توان به خوبی در یافته های کریستین نوربرگ شولتز مشاهده کرد. به اعتقاد او مکان هم ثبات دارد و هم برخوردار از تغییرپذیری است، و این نکته ای نیست که به آسانی دریافتنی باشد. ثبات همان روح مکان است و به تعبیری همان ارتباط ویژه آن مکان با فضا، فرم و صورتهای به کار رفته در



تصویر ۱۳. هویت کالبدی و حوزه های معنای آن، مأخذ: نگارندگان.

همچنین مباحث مربوط به روانشناسی اجتماعی و تاثیر الگوهای رفتاری بر شکل گیری فضاهای شهری نیز، به نظریات جامعه شناسی بسیار نزدیک است. در جامعه شناسی «هویت جمعی» را تلاشی برای تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی افراد جامعه دانسته، مکان و محیط پیرامون را در شکل گیری هویت اجتماعی بسیار موثر قلمداد می نمایند. در واقع مکان و گروه را موجب انجام کنش های متقابل بین فرد و فضا بر می شمرد (بهزادفر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۴-۵۵). در واقع هویت شهری، هویت جمعی است که در کالبد، محتوا و معنی شهر تجلی می یابد و به واسطه تداعی خاطرات جمعی، حس تعلق خاطر به مکان را بر می انگیزد و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن هدایت می کند (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۵۴).

بنابراین آنچه اثری را در نگاه عموم با -یابی- هویت جلوه می دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویتی جمعی و پایدار است. در این نگاه، اثر با هویت اثری است که هویت آن در راستای هویت جمعی (مذهبی، سرزمینی، نژادی و غیره) باشد، همچون یک بنای تاریخی در یک بافت تاریخی؛ و اثر بی هویت اثری است که هویت آن در تعارض با هویت جمعی و پایدار است. مانند یک بنای مدرن در یک بافت تاریخی. (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷). همچنین از آنجایی که هویت هر پدیده از دو جزء اساسی عینی و ذهنی تشکیل شده است. در شناخت هویت شهری باید هر دو سویه عینی آن یعنی شهر، ساختار و کالبد

آن، و تغییرپذیری و بی ثباتی مکان به دلیل نیاز به تاویل و باز تاویل مکان به شیوه های مختلف و چه بسا متضاد. (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

۳- وحدت/کثرت به معنای پیوند میان اجزاء متفاوت، ناهمگون و حتی متضاد، به گونه ای که در کنار هم یک کل را به وجود بیاورند، دست یافته است؛ (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۳). تعبیر وحدت در کثرت در بسیاری از متون تخصصی آمده است. در این متون، بر لزوم شکل گیری یک کل واحد از اجزا متکثر تاکید شده است. الکساندر در کتاب «روش بی زمان ساختن» تمام تاکید و توجه خود را به شکل گیری یک کل مبذول می دارد. کلی که در اثر میلیون ها عمل ساختمان سازی به وجود می آید و تبلور کالبدی آن «کیفیت بی نام» است (Alexander, ۱۹۷۹).

بنابراین با توجه به مفاهیم پیش گفته هویت کالبدی به معنای صفت ها و ویژگی هایی است که جسم شهر را از غیر آن، متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می کند. این صفت ها باید به گونه ای باشد که جسم شهر، در عین تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و در نهایت به پیدایش یک کل منجر شود. بنابراین مطالعه هویت کالبدی مستلزم بررسی خصوصیات متمایز کننده شکل شهر و بستر محیط مصنوع براساس شکل ۱۳ می باشد.

هویت جمعی - شهری

تعریف هویت در حوزه جامعه شناسی از مرتبط ترین تعاریف مربوط به هویت جمعی و شهری می باشد.

معیارها اغلب از طریق مصاحبه با مردم و بررسی نظرات آنها انجام می‌گیرد (لنگ، ۱۳۹۱) و در صورت مشارکت شهروندان در امور شهری، تفکر «شهر ما» به وجود خواهد آمد و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن که گستره ای فعال تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند. بنابراین مطابق آنچه که گفته شد، نمونه ای از معیارهای ارزیابی هویت انسانی شامل احساس امنیت، خاطره انگیزی، حس تعلق و وابستگی می‌باشند که به صورتهای گوناگون روی می‌دهند مانند: رویدادها و اتفاقات روزانه و ایجاد فضاهای دلنشین و خودمانی (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۶). هویت در بررسی‌های علوم ادراکی- رفتاری انسان به معنای ابعاد معنایی و تداعی آن نیز در نظر گرفته شده است؛ یکی از معیارهای هفتگانه‌ای که کوین لینچ در نظریه شکل خوب شهر برای سنجش شکل خوب شهر مطرح می‌کند معنا است به باور لینچ معنای شهر تنها در محدوده کالبدی و نقشه آن نیست، بلکه شهر بر پای زندگی ساکنان آن، دیدگاه آنان نسبت به شهرشان و زندگی شهری معنا می‌یابد. (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۱۶۹) از این رو تداعی این معانی وابسته به حس تاریخ، پیشرفت ارتباط خاطره‌ای، عناصر هویت ساز و یا تصویر، فعالیتها و عواملی که موجب هویت بخشی به محیط می‌شود شکل می‌گیرد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۳).

عوامل کالبدی- محیطی

این عوامل عبارتند از:

۱- «بستر طبیعی»: مکان و مقر شهر دارای ویژگی‌های طبیعی خاصی است که بخشی از هویت شهر را به تصویر می‌کشد که در غالب هویت طبیعی شهر قابل توصیف است. (یزدانی و یاری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰)؛ مشخصات طبیعی از قبیل عنصر آب طبیعی، نهر، رودخانه یا دریاچه پهنه‌های سبز

شهری، کارکرد اقتصادی آن، فضاهای عمومی و غیره، و نیز عامل ذهنی یعنی گروههای اجتماعی ساکن، سطح ادراک و شعور اجتماعی و توقعات و مطالبات آنها، وضعیت شهروندی، گروههای همگن و نظایر آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند (صبری و مشارزاده مهرابی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۷). از این رو موارد مذکور به صورت زیر تفکیک می‌گردد:

عوامل ادراکی- شناختی

فضاهای شهری، مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق دارند، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نیستند و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت او معنا می‌یابند. (مدنی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۳). در احیای خاطرات جمعی شهر نیز اهمیت فعالیت و معنا نسبت به جنبه‌های کالبدی و فیزیکی بیشتر رخ می‌نماید. از عوامل و مولفه‌های موثر فعالیت و معنای در ایجاد هویت جمعی توجه به هویت، فرهنگ^۱، خاطره، زندگی هر روزه شهری و جهت‌دهی آنهاست. در واقع حافظه جمعی از طریق ایجاد مکان، منظره سازی، بازاربایی شهر، اقدامات فستیوالی و مداخله در خاطرات جمعی شهر با پررنگ نمودن لحظاتی خاص از تاریخ شهر از طریق تاکید فیزیکی و فعالیتی و برندسازی نشانه‌های آن و حذف ترومایی وقایع و پیشامدهای ناگوار با پاکسازی یا تغییرات عمده کالبدی نشانه‌های بارز که خوانش واقعه را ممکن می‌سازند، صورت می‌پذیرد. همچنین ایجاد تئترهای خاطره که می‌تواند با شاخص سازی یا حذف بخشهای نامطلوب سبب پیدایش حس نوستالژی برای شهروندان و گردشگران شود (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۰). از دیگر عوامل ادراکی- شناختی احساس تعلق است، که دارای معیارهای چون احساس امنیت، خاطره انگیزی، حس تعلق و وابستگی به منظور ارزیابی هویت تدوین شده در ارتباط با محیط می‌باشد. که ارزیابی این گونه

۱. اساساً هویت شهری توسط فرهنگ شهری و خرده فرهنگ های متعلق به آن، در بستر تاریخ و در دل ساختار اجتماعی وسیعتری که جامعه را در ب می‌گیرد، در روند تحولات اقتصادی و سیاسی آن، شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود. بدین دلیل نگاه ایستا به مقوله‌های هویت و از جمله هویت شهری قادر به درک آن نیست. فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای پیچیده از دانش‌ها، باورها، هنر و آداب و رسوم جامعه دانست که مبتنی بر ارزش‌هایی است که گروهی به آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۵۵).

(باغات یا جنگل) و گونه های جانوری مختص نقاط ویژه، ارتفاعات و کوهها، نوع اقلیم و هر گونه عنصر مهم یا نشانه طبیعی که به عنوان نماد اصلی یک شهر در می آیند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۲) و خود را به عنوان عناصر اصلی هویت بخشی در شهر معرفی می کنند، نقش مهمی را در شناخته شدن شهر و ساکنین آن ایفا می نمایند.

۲- «بستر مصنوع»: هر شهری از نقطه نظر هویت ساختاری- کالبدی در لایه های مختلف زمانی قابل بررسی می باشد. این هویت از زمانی که احتمالاً آن شهر بصورت یک روستا بوده تا امروز که به صورت یک شهر بزرگ عمل می کند، قابل پیگیری است. ابعاد بررسی هویت مصنوع هر شهری از تعمق در عناصر خطی- کانونی، میادین، دروازه ها (بهزادفر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۸). ساختمانها، شبکه راهها، فضاهای عمومی و به طور کلی محیط مصنوع تشکیل یافته است. (هاشمی زاده، ۱۳۷۳، ص ۲۲۳). از این رو بررسی نفوذپذیری، ریزدانه گی، تنوع و جذابیت، تعدد و کیفیت عرصه ها و فضاهای عمومی، استفاده از فضای سبز و عنصر آب، المانهای معماری به عنوان تصویر، نشانه ها، تحریک بصری و توجه به جزئیات، جدارهای فعال خیابان و کیفیت تسهیلات و مبلمان شهری در مطالعه خصوصیات بستر مصنوع حائز اهمیت است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۲). بررسی این عوامل و یافتن عناصر هویت دار، منظر و سیمای متفاوتی را از کالبد هر شهر به نمایش می گذارند. در این میان باید عنوان نمود که نماها و فضاهای شهری در هر دوره تاریخی براساس ویژگیهای کالبدی و نقش کارکردی ویژه خود به عنوان اولین رکن هویت بخش شهری محسوب می گردند. این شاخصها می تواند در تعیین نوع معماری، کاربری اراضی و کالبدهای شهری مؤثر باشد. (هاشمی زاده، ۱۳۷۳، ص ۲۲۳). بنابراین مطابق آنچه بیان گردید، بافت کالبدی و ساختار مکانی- کالبدی شهری از ابعاد مهم هویتی در شهرهاست، لذا که شکل گیری بافت کالبدی شهر متأثر از

اندیشه ها، باورها، فعالیت ها و سطح فرهنگ جامعه است. در واقع کالبد شهر امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۲۵).

عوامل کارکردی- فعالیتی

یان گهل فعالیتهای شهری را به سه دسته عمده فعالیتهای انتخابی (تفریحی)، اجتماعی و اجباری دسته بندی می کند (Gehl, ۱۹۸۷): فعالیتهای اجباری (نظیر: کارکردها شغلی، مراجعات اداری، عبور و مرور هدفمند و دیگر عملکردهای که جنبه اجتماعی یا تفریحی ندارند) نظیر فعالیت های اقتصادی؛ فعالیتهای اقتصادی نیز می توانند به عنوان شاخص هویت بخش فضاهای شهری مطرح شوند «چه بسیاری از فعالیت ها که به طور ویژه در مکان ها و یا شهرهای خاصی وجود دارد و به عنوان یکی از ارکان هویتی شهر خودنمایی می کنند و چه بسیاری از برخی ویژگیها و فعالیتهای اقتصادی که ریخت شهری را تحت تأثیر قرار می دهند» (یزدانی و یاری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳). در واقع تجلی نوع فعالیت اقتصادی در ریخت شناسی، سیمای شهر و سایر عناصر شهری، می تواند به شکل گیری حس مکان کمک نماید. همچنین به عنوان مثال، تقویت فعالیتهای ویژه و بومی منطقه، صنایع دستی و گردشگری از نمونه های عینی این بخش از ابعاد هویت شهری است (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

فعالیتهای اجتماعی که شامل کارکردهای اجتماعی نیز می باشد (نظیر: ملاقات دوستان، شرکت در فستیوالها، جشنها، نمایشها و یا مناسبتهای مهم محلی یا ملی، پیاده روی ها و یا تجمعات گروهی، اجتماعات خانوادگی، شرکت در مراسم مذهبی و انواع دیگر تعاملات اجتماعی) و فعالیتهای تفریحی (انتخابی) (نظیر: ورزش یا بازی، خلوت کردن یا قدم زدن، نشستن و استراحت، استفاده از رستوران یا کافه وجود کاربریها و اقتصاد شبانگاهی، فعالیتهای

فرهنگی و دیگر تفریحات عمومی، محلی و یا موقعیتی و فصلی) (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۹۲-۹۳) بقیه عملکردها نظیر عملکردهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به صورت پراکنده و مختلط در درون فعالیتهای مذکور جاسازی شده‌اند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

هویت در واژه‌شناسی معنای واژه‌ای مابین انسان و محیط می‌باشد. در بررسی هویت انسانی (انسان زیسته در جامعه سنتی: توجه به یک مبدا و یک مرکز مشتمل بر کمال، پاکی، ازلی و تمامیت و پیروی از اصول الهی با سمت و سوی آمیخته به ریاضتها، رعایتها، خودداری‌ها با اصول پایداری نظیر: وحدت، حکمت، صداقت، قناعت و ... و انسان زیسته در جامعه مدرن: توجه به برهه‌ای میان تولد و مرگ بدون هیچ غایت و فرجام با توجه به هویتی متکثر و اکتسابی و محیط مادی و پیروی از مظاهر اصول پویا، متکثر و گذرای عصر جدید) نیز می‌توان با تحقق اولین نیاز غیرمادی انسان یعنی هویت به ماندگاری فضایی دست یافت. در واقع میان انسان و محیط رابطه‌ای متوازن و تاثیرگذار بر هم برقرار است. ایجاد خوانایی و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان براساس کیفیتهای فضایی او مهمترین عامل مداخله انسان در محیط است. در واقع رابطه بین انسان و فضا که به هویت فضایی (خصوصیات کمی و کیفی فضا و الگوهای رفتاری انسان) می‌انجامد. اطلاعاتی در رده‌ی عینیت و واجد فرم و عملکردند. در حالی که رابطه بین انسان و مکان در صورت نپرداختن به آن سبب سرگردانی و بی‌هویتی می‌گردد. از این رو دارای درهم‌تنیدگی بیشتری با ارزشهای انسانی است. مکان اطلاعاتی در رده ذهنیت و واجد فرم، عملکرد (مادی) و تصورات ذهنی (غیرمادی) است و از آنجا که اولین نیاز غیر مادی انسان نیز هویت می‌باشد. از این رو مفهوم هویت، ذهنیت، معنا و انسان مفاهیم نزدیک به یکدیگراند. یعنی ایجاد هویت در وهله اول توجه به تصورات ذهنی انسان حائز اهمیت است. بدین ترتیب به

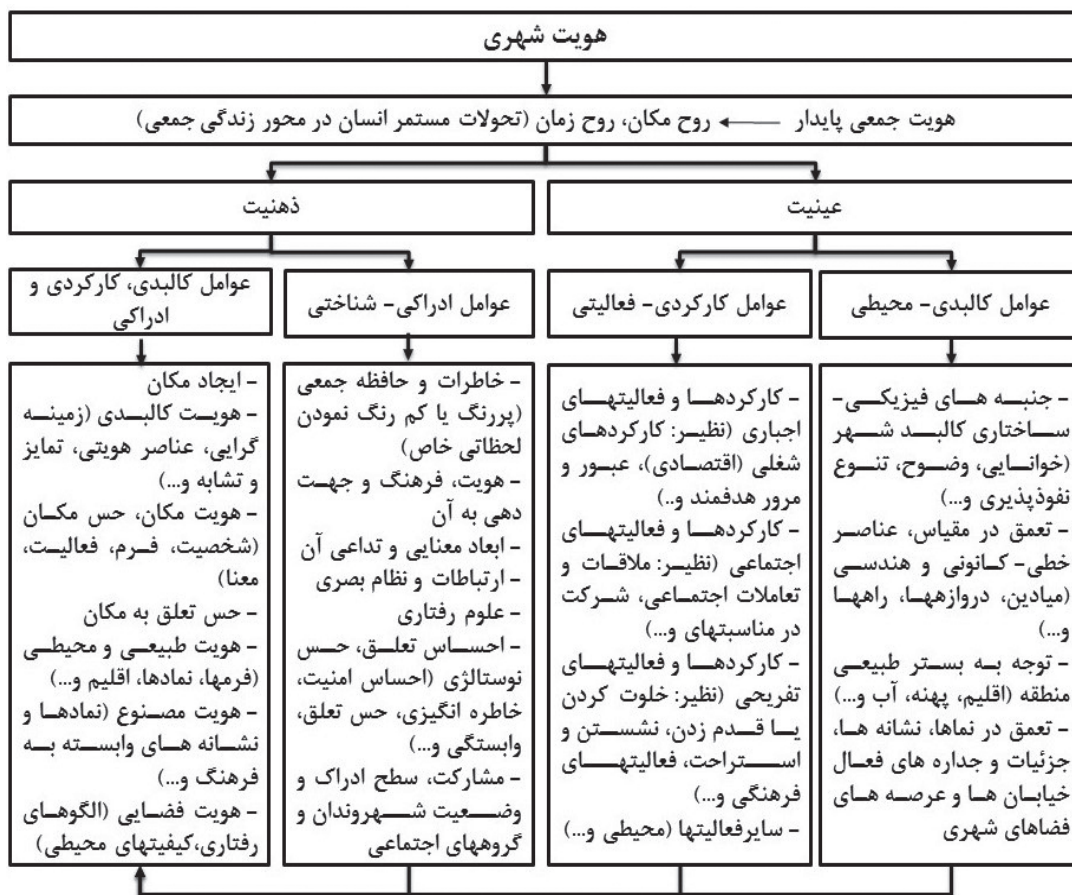
جهت ایجاد وحدت بین انسان و مکان به هویت کالبدی در بستر مصنوع (مانند: تمایز از غیر و تشابه آن با خودی، حفظ تداوم در عین تحول و حفظ وحدت در عین کثرت) توجه می‌گردد؛ چنانچه که تصورات ذهنی در انسان بوجود آید محیط تبدیل به مکان می‌شود و رابطه انسان و مکان بواسطه هویت (هویت کالبدی) شکل می‌گیرد. این رابطه جهت دهنده رفتار وی و در عین حال متاثر بر هویت فضایی و کیفیتهای فضایی می‌باشد. هویت مکان (در ساختارهای فیزیکی نظیر: منظر، چشم انداز، نفوذپذیری، شکل و فرم، اندازه، بافت، روابط و چیدمان، در فعالیت نظیر: استفاده از مکان، روانی پیاده‌رو و نقلیه، رفتار، الگو، خوانایی، بو و صدا، تعاملات اجتماعی، رضایتمندی و... در معنا نظیر: همکاری فرهنگی، عملکردهای ادراکی، تشخیص و ارزیابی کیفی، زیبایی و نمادگرایی) با توجه به سه عامل فرم، عملکرد و معنا (کالبد، کارکرد و ادراک) و هویت فضایی براساس فرم و عملکرد (کالبد و کارکرد) محیط را واجد خوانایی و سپس هویت می‌نمایند. در واقع مکانهایی با امکان ایجاد تصاویر ذهنی (خوانایی، به خاطر سپردن، بازشناسی و جهت یابی) نفوذپذیری بیشتری در ذهن دارند. و برای انسان با هویت می‌باشند. بدین جهت برای افزایش کیفیت و ماندگاری فضا در ذهن، علاوه بر معنا می‌باید از فعالیتها و مشارکتها و فرم (کالبد) برای برقراری ارتباط انسان با محیط بهره گرفته شود.

از این رو با در نظر گرفتن اشتراکات معنایی و خوانایی مابین هویت مکان و هویت محیط همچنین اشتراکات فرم و عملکرد مابین هویت مکان و هویت فضایی می‌توان بر طبق سه مولفه اصلی و مشترک مابین هویت محیط، هویت مکان، هویت فضا و هویت کالبد به دسته‌بندی، جمع‌بندی و فشرده‌سازی موارد پیش گفته در قالب کلید واژه‌های عوامل کالبدی، کارکردی و ادراکی پرداخت. بنابراین مطابق جدول زیر شناخت هویت شهری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۵۵



تصویر ۱۴. مولفه ها و عوامل هویت بخش شهری و جمعی، ماخذ: نگارندگان.

منابع و ماخذ

- هر شهر مشتمل بر شناخت: مولفه های کالبدی-محیطی (نظیر: مولفه های مصنوعی، جنبه های فیزیکی-ساختاری کالبد شهر-فرم و ساختارهای فیزیکی-و تعمق در عناصر خطی، کانونی، هندسی و...)، مولفه های ادراکی-شناختی (نظیر: خاطرات جمعی، ارتباطات و نظام بصری، علوم رفتاری و کیفیتهای فضایی، احساس تعلق-احساس امنیت، خاطره انگیزی، حس تعلق و وابستگی-مشارکت، سطح ادراک و وضعیت شهروندان و گروههای اجتماعی)، مولفه های کارکردی-فعالیتی (نظیر: کارکردها و مولفه های اقتصادی، فرهنگی-ارزشها، دانشها، باورها، آداب و رسوم و سنتها-اجتماعی، سیاسی)، مولفه های هویتی (نظیر: هویت کالبدی، هویت مکان، هویت طبیعی-عوامل طبیعی منطقه به صورت نمادها-شخصیت) می باشد.
- احمدی، الهه (۱۳۸۹) تالار شهر تهران (با رویکرد پایداری اجتماعی)، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری، تهران.
- احمدی، بابک (۱۳۷۷) معماری مدرنیته، نشر مرکز، تهران.
- آریانپور کاشانی، عباس و منوچهر (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی به انگلیسی، امیرکبیر، تهران.
- اصانلو، حسن (۱۳۹۱) بازشناسی مفهوم هویت کالبدی و تعامل معماری کهنه و نو در ساماندهی محله تاریخی جلفا اصفهان، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۰، صص ۸۵-۹۵
- بازوندی، فرشاد و شهبازی، مهرداد (۱۳۹۳) نقش سرزندگی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و میزان

بهره گیری از فضای شهری (مطالعه موردی: پیاده راه خیابان سپهسالار تهران)، دو فصلنامه «پژوهشهای منظر شهر»، سال اول، شماره ۱، صص ۳۳-۴۳

بهزادفر، مصطفی و مرادی مسیحی، وراز و مقدم قارویری، مریم (۱۳۸۷) «مقدمه‌ای بر شناخت هویت شهری بافت قدیم کرمان»، دوماهنامه شهر نگار، سال هشتم، شماره ۴۷، صص ۵۴-۶۷

پارکینسن، جان (۱۳۸۰) دموکراسی، معماری و فضای همگانی، ترجمه سحر قاسمیان، مجله معماری ایران، شماره ۲۹-۳۰

پورجعفر، محمدرضا، پورمند، حسن علی، ذبیحی، حسین، سادات هاشمی دمنه، لیلا، تابان، محسن (۱۳۹۰) پدیدارشناسی هویت و مکان در بافتهای تاریخی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره سوم، صص ۱۱ تا ۲۰

چنگیزی، نگار و احمدیان، رضا (۱۳۹۲) بررسی شاخص‌های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی: بازار کرمان)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۱، صص ۵۳-۶۳

حجت، عیسی (۱۳۸۴) هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴ دریای لعل، بهرنگ و حوصله دارصابر، ریحانه (۱۳۸۹) بازنگری یک مفهوم در معماری معاصر ایران «هویت»، فصلنامه فن و هنر، سال چهاردهم، شماره ۲۸، صص ۱۴-۱۸

دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴) «لغتنامه فارسی»، چاپخانه مجلس شورای ملی، تهران.

راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده، ترجمه فرح حبیب، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

ربانی، رسول (۱۳۸۱) جامعه شناسی شهری، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، اصفهان.

رحمانی، محبوبه (۱۳۸۹) مکان و مفهوم آن در معماری سنتی و هویت مکان در معماری امروز، ماهنامه راه و ساختمان، سال هشتم، شماره ۷۱، صص ۸۵-۹۲

سادات حبیبی، رعنا (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص ۳۹-۵۰

سلطانی، علی؛ زرگری مرنیدی، ابراهیم و نامداریان، احمدعلی، (۱۳۹۲) شکل گیری، تقویت و مانای خاطره در فضاهای شهری نمونه موردی محور شهید چمران شیراز، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، صص ۸۷-۹۸

شولتز، نوربرگ کریستیان (۱۳۸۳) معماری: معنا و مکان، ترجمه برازجانی، انتشارات جان جهان، تهران.

صبری، سهیل و مشارزاده مهرابی، زهرا (۱۳۸۵) جایگاه مفهوم هویت در شهرهای جدید، مجموعه مقالات همایش بین المللی شهرهای جدید، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، تهران، شماره صفحه ۲۶۷

عمید، حسن (۱۳۵۲) فرهنگ عمید (جیبی)، انتشارات جاویدان، چاپ پنجم، تهران.

فیالکوف، یانکل (۱۳۸۲) جامعه شناسی شهری، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، نشر آگه، مشهد.

قاسمی، مروارید (۱۳۹۰) اهل کجا هستیم (هویت بخشی به بافتهای مسکونی)، انتشارات روزنه، تهران.

قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷) مفهوم هویت و معماری امروز ایران، ماهنامه آینه خیال، شماره ۱۰.

کاشی، حسین و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲) تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن نمونه موردی: پیاده راه شهر ری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۱۸، شماره ۳

کامیار، سجاد (۱۳۹۳) رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶

الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۵) زبان الگو، ترجمه رضا کربلایی نوری، ویراستار حمید خادمی، چاپ پنجم، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، تهران.

گلکار، کوروش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه علمی- پژوهشی صفه، شماره ۳۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران، صص ۶۵-۳۸

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.

لنگ، جان (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.

لنگ، جان (۱۳۹۱) آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.

لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران چاپ چهارم، تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۸۷) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰) روان شناسی محیطی و کاربرد آن، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران معین، محمد (۱۳۸۴) فرهنگ فارسی معین، انتشارات ساحل، چاپ دوم، تهران.

میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳) معیارهای شناخت هویت کالبدی شهرها، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صفحه ۳۵ و ۳۲، ۱۰، ۳۳، ۳۴

میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۵) هویت کالبدی شهر، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.

نصر، سید حسین (۱۳۸۰) معرفت و امر قدسی، ترجمه ی فرزاد حاجی میرزایی، نشر فرزاد، تهران. نصر، سیدحسین (۱۳۷۶) جوان مسلمان و دنیایی متجدد، ترجمه ی مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو، تهران.

نقی زاده، محمد (۱۳۷۸) هویت تجلی فرهنگ در

محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴ و ۳۵، تهران. هاشمی زاده، فرامند (۱۳۷۳) مسأله هویت در توسعه های جدید شهری و شهرهای جدید، مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین المللی توسعه شهری و شهرهای جدید در اصفهان، جلد ۲، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، تهران.

وارثی، حمیدرضا و عاملبافنده، مهدی و محمدزاده، محمد (۱۳۸۹) بررسی و تحلیل مؤلفه های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلبهار)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره دوم، صص ۳۶-۱۷

وحید، علی (۱۳۸۷) طراحی دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، استاد راهنما: مهندس سید جلیل میر باذل، استاد مشاور: مهندس آرش مهرگانی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه گیلان، گیلان.

یزدانی، محمود و یاری، ارسطو (۱۳۸۶) هویت، شهر و جغرافیا، فصلنامه اندیشه جغرافیایی، شماره ۱ یزدانی، محمود، کاویانی، یونس و یاری، ارسطو (۱۳۸۷) هویت فضایی و شهر از دیدگاه دانش جغرافیا، دو ماهنامه شهرنگار، شماره ۴۹، صص ۱۲-۱۹

Alexander, Christopher, 1979, "the timeless way of building" oxford university press, Newyork.

Arefi, Mahyar, 1999, non-place and placelessness as narrative of loss: rethinking the notion of place, journal of urban design, vol.4, No.2, pp. 179-193

Canter, David, (1977a), The Psychology of Place., London: Architectural Press

Carmona, Mathew, (2006), Public Places, Urban Spaces, Architectural press, Elsevier, Oxford.

Gehl, John (1987), "life between buildings", van nostrand Reinhold press.

Harrison, S. and Dourish, P. (1996), Re-Place-ing space: the Roles of place and space in collabora-

tive Systems. Proc. CSCW'96. ACM Press.

Maslow, A. (1943), Theory of human Motivation, Psychological Review, 50.

Montgomery, J. ,1998, "Making a city: Urbanity, vitality and urban design", Urban Design, no. 1, pp. 93-115.

Oxford advanced learner dictionary, (2007) oxford university press.

Relph, E, 1976, Place and Placelessness, Pion Limited, London.

Steele, Fritz ,1981, The Sense of Place, CBI Publishing Company, Boston.

Stefanovic, I. L. (1998) Phenomenological Encounters with Place: Cavtat to Square One, Journal of Environmental Psychology, 18, 31-44.

Turner, P, & Turner, S, 2006, "Place, sense of place, and presence, Presence". Teleoperators and Virtual Environments, 15(2), pp. 204-217.

Wong, mark, 2003, spaces and symbols, Routledge publishers.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۱۵۹ ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۱ زمستان ۹۴

No.41 Winter 2015

۱۶۰